

گفتمان‌های رایج در زبان بدن مدرسان دانشگاه فرهنگیان

■ مصطفی باقریان فر* ■ احمد رضا نصرافهانی** ■ محمد جوادی پور*** ■ مهران عزیزی****

چکیده:

برقراری ارتباط یکی از قدیمی‌ترین و درعین حال بهترین دستاوردهای بشر است. ارتباط، علاوه بر کارکردهای متنوع برای بشر، زمینه‌ساز فعالیت‌های اجتماعی و سرآغازی برای زندگی اجتماعی است. هدف از پژوهش حاضر تحلیل نحوه زبان بدن مدرسان و تفسیر نوع گفتمان‌های رایج در زبان بدن آنان است. برای نیل به این هدف از روش کیفی، با توجه به نوع پدیدارشناسی، استفاده شده است. جامعه آماری پژوهش را مدرسان دانشگاه فرهنگیان در سال تحصیلی ۱۳۹۶-۱۳۹۷ تشکیل داده‌اند که سابقه تدریس بیش از سه سال داشتند. نمونه‌گیری به صورت هدفمند بوده و با توجه به اشباع نظری ۱۵ نفر انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده‌ها مصاحبه نیمه‌سازمان‌یافته بوده که پس از بیان اهداف تحقیق و تأکید بر اصل محرمانه بودن، مصاحبه با هر مدرس ضبط و مکتوب شده است. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از تحلیل توصیفی استفاده و جزئیات یافته‌ها تفسیر شده است. نتایج این پژوهش نشان داد که مدرسان نشانه‌های زبان بدن را به‌منظور هفت نوع گفتمان استفاده می‌کنند: گفتمان هشدار، تأیید و عدم تأیید، صمیمیت، اعتماد، عصبانیت، تفکر، و نظارت و هدایتی. در نهایت می‌توان گفت زبان بدن برای ساده‌سازی مطالب، موقعیت‌سازی و نگرش مثبت در کلاس درس، موفقیت در تدریس، اعتماد مدرسان به دانشجویان و توانایی یادگیری عمیق مؤثر است.

کلید واژه‌ها: ارتباط، ارتباط کلامی، ارتباط غیر کلامی، زبان بدن

□ تاریخ دریافت مقاله: ۹۹/۴/۳ □ تاریخ شروع بررسی: ۹۹/۵/۱۱ □ تاریخ پذیرش مقاله: ۹۹/۱۱/۳

دکتری برنامه‌ریزی درسی در آموزش عالی، مدرس مدعو دانشگاه فرهنگیان، ایران، (نویسنده مسئول) mostafab178@yahoo.com
استاد گروه علوم تربیتی، دانشگاه اصفهان، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، اصفهان، ایران arnasr@edu.ui.ac.ir
دانشیار گروه علوم تربیتی، دانشگاه تهران، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، تهران، ایران javadipour@ut.ac.ir
دکتری برنامه‌ریزی درسی، مدرس مدعو دانشگاه فرهنگیان، ایران azizi8175@yahoo.com

مقدمه

برقراری ارتباط^۱ همواره یکی از دل‌مشغولی‌های بشر بوده است. این مشغولیت فکری به کلیه فعالیت‌های گفتاری، نوشتاری و حرکتی مربوط می‌شود و فرد آن‌ها را برای انتقال معنی به فردی دیگر یا گروهی از افراد به کار می‌برد. این انتقال پیام ممکن است برای اطلاع‌رسانی ساده باشد یا اینکه هدف از آن اثرگذاری یا نفوذ در مخاطب باشد که در این صورت عامل ارتباطی را بر آن می‌دارد تا از این وسیله بسیار کارساز برای اقتناع یا برانگیختن فرد یا توده وسیعی از مخاطبان استفاده کند. همه مردم در خانه، مدرسه، محل کار و در بسیاری از مناطق زندگی خود با یکدیگر در ارتباط‌اند. مردم بخش زیادی از زندگی‌شان را در ارتباط با دیگران یا اجتماع می‌گذرانند. ارتباطات همچون فرایندی با استفاده از علائم و نشانه‌ها برقرار می‌شود. افراد اطلاعات خود را با استفاده از علائم و نشانه‌ها رمزگذاری و رمزگشایی میکنند که به این قابلیت‌ها مهارت‌های ارتباطی می‌گویند. ادوین امری^۲ (۱۹۷۳) مفهوم ارتباط را در معنای عام چنین تعریف می‌کند: «ارتباط عبارت است از فن انتقال اطلاعات، افکار و رفتارهای انسانی از یک شخص به شخص دیگر. به‌طور کلی برای ایجاد ارتباط با دیگران و انتقال پیام‌های خود به ایشان، از وسایل مختلف استفاده می‌کند» (باقری خلیلی و زلیکانی، ۱۳۹۴).

ارتباط را به دو نوع کلامی و غیرکلامی تقسیم کرده‌اند: ارتباط کلامی، همانطور که از معنی کلمه برمی‌آید، به معنی نوعی از ارتباط است که از طریق زبان برقرار می‌شود؛ ارتباط غیرکلامی، که به آن «زبان بدن^۳» هم گفته می‌شود (نیک‌دار اصل و احمدیانی، ۱۳۹۵)، روشی ارتباطی است که گام، ضرب‌آهنگ، کلمه و دست‌ورزی خاص خود را داراست و اگر این کلمات ناساخته از حروف با دستور و قواعد خاص خود به‌درستی ادا شوند و به یکدیگر ببیوندند، «عبارات غیرشفاهی» را تشکیل می‌دهند. این عبارات بعد از متصل شدن به یکدیگر، عبارت و جملاتی را خواهند ساخت تا پیام‌های ما را به دیگران منتقل کنند (بهنام و دیگران، ۱۳۹۳). یکی از اشتراکات تعاریف مطرح‌شده درباره «ارتباط» این است که همگی ارتباط را فرایند ارسال و دریافت پیام می‌دانند.

یکی از مهم‌ترین خصوصیات انسان، که او را از سایر موجودات برتری می‌دهد، قدرت تکلم و سخن گفتن اوست. انسان می‌تواند با به‌کارگیری کلمات و جملات، احساسات و نیت درونی‌اش را بیان کند و دیگران را از آن آگاه سازد. همچنین خواسته یا ناخواسته در فضایی که آن را سکوت و خاموشی می‌نامیم و با زبان بی‌زبانی - فقط با آنچه زبان بدن و اجزای آن خوانده می‌شود - می‌تواند به‌خوبی احساسی را انتقال یا معنای کلامی را تغییر دهد. زبان بدن، زبان اول و اصلی ماست. بخش اصلی ارتباطات غیرکلامی را زبان بدن تشکیل می‌دهد (بارسلطان، ۱۳۸۳). کنی زکس^۴ اولین مطالعه در مورد زبان بدن را انجام داد. او نحوه استفاده از حرکات بدن و چهره را برای برقراری ارتباط و همچنین تفاوت بین علامت‌ها و حرکات را بررسی کرد (رایان و شرانک^۵، ۲۰۰۸). داروین^۶ نیز اولین کسی بود که با روشی علمی روی زبان بدن کار کرد. مطالعات اولیه داروین و داوینچی روی سگ‌ها و گربه‌ها برای درک

پیام‌هایی بود که آن‌ها سعی داشتند با حرکات بدن یا دهمشان به یکدیگر و به انسان‌ها برسانند. در سال ۱۸۷۲، کتابی به نام بیان احساسات در انسان و حیوان به قلم داروین منتشر شد که در آن مطرح شده بود همه پستانداران به احساساتی که در چهره ظاهر می‌شود اعتماد می‌کنند؛ ضمن اینکه او با مطالعه برداشته‌های گروهی ۲۴ نفره، از روی تصاویر چاپ‌شده عکاسی فرانسوی، درزمینه مفهوم حرکات و اشکال چهره انسان آزمایش‌هایی کرد و به ثبت مشاهداتش در کتاب پرداخت و بیش از دو هزار حالت چهره را برای انسان‌ها ثبت کرد. این در حالی است که متخصصان زبان بدن می‌گویند فقط ۳۰۰ تا ۴۰۰ مورد از این تعداد حالت برای ما مفهوم دارند و سایر حالات فعلاً برای ما بی‌معنی است. شولمن^۷ بحث زبان بدن را در کتاب خود از یادآوری حرکات چارلی چاپلین در فیلم‌های به‌یادماندنی‌اش آغاز می‌کند و می‌نویسد که در دوره فیلم‌های صامت، چارلی چاپلین توانست بدون انتقال کلام با تماشاگرانش ارتباط برقرار کند. دست‌هایش، چهره‌اش، راهرفتن مضحک و لباس‌هایش همه انتقال‌دهنده پیام‌های او بودند (جمالی و افضل طوسی، ۱۳۹۸). معروف‌ترین کتاب موجود درباره زبان بدن در قرن بیست‌ویک، متعلق به آلن پیز^۸ استرالیایی است که، در حدود سی‌سال پیش و بعد از ده‌سال مطالعه، مصاحبه و پژوهش، آن را نوشت. این کتاب درحکم کتاب مرجع زبان بدن کاربرد دارد.

برای زبان بدن اصطلاحات متعدد دیگری هم به کار گرفته شده است، از جمله «زبان بیواژه» یا «زبان بی‌زبانی»، «زبان رفتار» (روستایی، ۱۳۹۲)، «زبان اشاره» یا «زبان خاموش»، «هشیاری بدنی»، «زبان احساسات»، «زبان اندام»، «ارتباط غیرکلامی و گفتار بی‌صدا» (بهنام و همکاران، ۱۳۹۳). در ارتباط با زبان بدن تعاریف متعددی مطرح شده است، به‌طوریکه زبان بدن را می‌توان مجموعه‌ای از نشانه‌ها تعریف کرد. مثلاً، حالاتی که نشان‌دهنده طرز ایستادن و قرار گرفتن، سرعت حرکت یا فعالیت‌های دیگری باشد (شندلر و همکاران^۹، ۲۰۰۸). زبان بدن بخش چشمگیری از عکس‌العمل‌های اجتماعی و عاطفی را انتقال می‌دهد (اتکینسون و همکاران^{۱۰}، ۲۰۰۷)؛ یا به سخنی دیگر، مبادله اطلاعات و معنی از طریق حالت‌های چهره، اشارات یا حرکات بدن ارسال می‌شود و تشریح پیام‌های آوایی و غیرآوایی با وسایلی غیر از وسایل زبانی و زبان‌شناسی پیام منتقل شده از اعضای بدن، کیفیت صدا، تماس چشمی، حالت چهره، فضا، نزدیکی، تمایل بدن، حرکات لمس‌کردن و حرکات بدن انجام می‌شود (محمدی، ۱۳۹۹).

زبان بدن با هدف‌های متعددی به کار گرفته می‌شود، مانند جایگزینی به‌جای گفتار، مکمل گفتار و نشان‌دهنده عواطف، کمک به فهم محتوای پیام کلامی، تأکید بیشتر بر بخش‌هایی از کلام، تنظیم جریان ارتباط گوینده و شنونده، تناسب در تعامل، تغییر و اصلاح رفتار و تعریف ضمنی روابط (پرهام، ۱۳۸۴). ویژگی‌های زبان بدن از ادبیات حوزه روان‌شناسی نشئت می‌گیرد که رفتارهای زبان بدن مانند نگاه کردن به دیگری، چرخش بدن، نزدیک شدن، لمس کردن یا اشاره کردن با دست را، که حاوی اطلاعات مفیدی از نگرش و احساسات مخاطب به یک موضوع است، نشان می‌دهد (متالینو و همکاران^{۱۱}،

۲۰۱۶). محققان بر این باورند که ۶۰ تا ۷۰ درصد ارتباطات اجتماعی بر اساس درک زبان بدن تشکیل شده است. افرادی که قادرند نشانه‌های زبان بدن را به‌درستی درک کنند به تجربه‌ها، تأیید اجتماعی و شایستگی بیشتر تمایل دارند (دوبرسکو و لوپ^{۱۲}، ۲۰۱۵).

حالت چهره و نشانه‌های زبان بدن، اطلاعاتی درباره رفتارهای عاطفی و اهداف انتقال می‌دهند، همچنین در طول تعاملات اجتماعی کاربرد دارند. انحراف سر، تغییر ناگهانی چهره، نوع خنده، تن صدا (بلندی و کوتاهی آن)، سرعت و آهنگ کلام در هنگام صحبت کردن نیز می‌تواند طیف وسیعی از احساسات را به تصویر بکشد (لویی و همکاران^{۱۳}، ۲۰۱۳).

زبان بدن، سرنخی در مورد خود و جهان درونی انسان‌ها به دست می‌دهد. هنگامی می‌توانیم از زبان بدن خود به‌درستی استفاده کنیم که بتوانیم از طریق آن، ارتباط درست و مؤثری با افراد محیط اطرافمان برقرار کنیم؛ بنابراین از ارتباطات کلامی در انتقال اطلاعات و ارتباطات غیر کلامی به‌منظور بیان احساسات استفاده می‌شود (تای^{۱۴}، ۲۰۱۴). گفتار بی‌صدا از اهمیت خاصی برخوردار است و احتمال موفقیت یا شکست انسان را در برخوردهای اجتماعی، شخصی و شغلی به‌شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد. مردم گاهی اوقات می‌توانند کلمات زبان خود را کنترل کنند، اما زبان بدنشان را نمی‌توانند کنترل کنند؛ بنابراین، فرایند درک احساسات و افکار بر اساس زبان بدن به‌جای واژه‌ها استفاده می‌شود. فاست^{۱۵} در این باره می‌گوید: «هر شخصی می‌تواند از صحبت کردن امتناع کند، ولی بر اساس زبان بدن نمی‌تواند از برقراری ارتباط اعضای بدن جلوگیری کند. هر شخصی در گفتن بعضی چیزها درست یا نادرست ناگزیر به استفاده از اعضای بدنش است، اما سکوت غیرممکن است». مثلاً، تحلیل یک برنامه ویدئویی نشان داد که هر شخصی عملاً با دستانش حرف می‌زند و تقریباً هیچ‌کس، در حین گفت‌وگو، بیش از پانزده ثانیه قادر به مقاومت در مقابل حرکت دستان یا انگشتانش نیست (بارسلطان، ۱۳۸۳).

محرابیان در مطالعه خود دریافت که ۷ درصد تأثیر کل یک پیام از طریق نشانه‌های کلامی، ۳۸ درصد از صدا (تن صدا، زیرومی صدا، سرعت و انعطاف صدا) و ۵۵ درصد از طریق نشانه‌های غیر کلامی دریافت می‌شود. به‌عبارت‌دیگر، ۷ درصد به‌صورت کلامی و ۹۳ درصد از طریق ارتباط غیر کلامی صورت می‌گیرد. به‌طور مشابه، مطالعه بیردویستیل^{۱۶} نشان داد که بیش از ۶۵ درصد از ارتباطات از طریق ارتباط غیر کلامی اتفاق می‌افتد. در واقع یک فرد معمولی به‌طور متوسط در طول روز ۱۰ تا ۱۱ دقیقه صحبت می‌کند که ممکن است میانگین هر جمله ۲/۵ ثانیه طول بکشد (پیز، ۲۰۰۳). عناصر تشکیل‌دهنده زبان بدن از سه بخش تشکیل شده‌اند؛ بدین معنا که هر زبان بدنی که ردوبدل می‌شود، شامل بخش‌های «صادرکننده، دریافت‌کننده و محیط» است (هاو و هود^{۱۷}، ۲۰۱۹). از جمله برجسته‌ترین نشانه‌های غیر کلامی و حرکات بدن می‌توان به نشانه‌های مربوط به فاصله، نشانه‌های دیداری و نشانه‌های آوایی اشاره کرد. آرزیل^{۱۸} (۱۹۹۰) ده مشخصه ذیل را توصیف‌کننده مسئله فرازبان می‌داند که به‌نوعی شکل تفصیلی سه مورد پیش‌گفته‌شده به‌شمار می‌رود: ۱. تماس بدنی؛ ۲. میزان فاصله؛ ۳. حالت بدن؛ ۴. ظاهر

فیزیکی؛ ۵. حرکات صورت و بدن؛ ۶. مسیر نگاه؛ ۷. مدت و زمان بندی صحبت؛ ۸. حالت عاطفی گفتار؛ ۹. خطاهای گفتار؛ ۱۰. لهجه. این نشانه‌ها در ارتباطات، سه کارکرد ویژه دارند؛ نخست اینکه جایگزین پیام‌های کلامی می‌شوند، دوم اینکه پیام‌های کلامی را تقویت می‌کنند و کارکرد سوم اینکه در جهت خلاف و رد پیام‌های کلامی عمل می‌کنند (قبادی و زارع‌مهرجردی، ۱۳۹۴). این کارکردها در هر مکانی معنا و مفهوم خاص خود را دارند. معنای یک علامت می‌تواند از یک فرهنگ به فرهنگ دیگر متفاوت باشد؛ برای مثال در امریکای شمالی، دستکندادن به جلو و عقب به معنای «سلام» و «خداحافظی» است، درحالیکه این حرکت در برخی از کشورهای اروپایی به معنای «نه» است.

ارتباطات غیرکلامی می‌تواند در همهٔ مشاغل استفاده شود. پیام‌رسان بدن بخش مهمی از روان‌شناسی اجتماعی و آموزش حرفه‌ای، کاربرد فراوانی به‌ویژه در حیطهٔ مدیریت، آموزش، امور اجتماعی و جامعه‌شناسی دارد و افراد در انواع مشاغل مرتبط با مسائل اجتماعی اعم از قاضی، وکیل، آموزگار، بازیگر، گویندهٔ رادیو و تلویزیون، سخنران، کارگردان، مصاحبه‌گر و استاد می‌توانند از آن بهره بگیرند. آموزش فعالیتی ارتباطی است (گیولک و تمل^{۱۹}، ۲۰۱۵). آموزش تقریباً روابط ارتباطی کارآمد و تأثیرگذاری با شاگردان برقرار می‌کند. مدرسان، ارتباط‌گران کارآمدی هستند (ریچموند و مک کروسکی^{۲۰}، ۱۳۸۸).

ارتباطات جایگاه خاصی در تعلیم‌وتربیت و تمامی جنبه‌های زندگی انسان دارد. فعالیت‌های ارتباطی در تعلیم‌وتربیت کاربرد فراوانی دارند. بهره‌وری از این فعالیت‌ها به‌طور عمده به کیفیت ارتباطات بین مدرسان و فراگیران بستگی دارد. در این میان، عقیده بر این است که مدرسان باید مهارت‌های ارتباطی تأثیرگذاری داشته باشند تا بتوانند در آموزش تفکر فراگیران مؤثر باشند. دستیابی مدرسان به عوامل مهارت‌های ارتباطی و اهمیت این عوامل در تعلیم‌وتربیت در طول تدریس، بسیار مهم است (توک و تمل^{۲۱}، ۲۰۱۴). داشتن مهارت‌های ارتباطی مؤثر یکی از معیارهای اصلی و حرفه‌ای در آموزش است و نوعی ارتباط حرفه‌ای به‌شمار می‌رود. باینحال کسب نیازهای فردی و مناسب، مانند گوشدادن و عادات صحبت کردن، به‌منظور فهمیدن ایده‌های دیگران مهم است. علاوه‌براین، مردم این فرصت را دارند تا از طریق ارتباط، ایده‌های خود را به‌منظور ارزیابی به اشتراک بگذارند؛ بنابراین کسب‌کردن و استفادهٔ مدرسان از مهارت‌ها در امر تدریس موضوع‌ها و محتواهای گوناگون بسیار مهم است.

با وجود اینکه اساساً فرایند یادگیری فرایندی تعاملی است، ارتباط مدرسان با فراگیران در افزایش کیفیت آموزش و یادگیری و بهبود نگرش فراگیران جایگاه مهمی دارد (پهلیوان^{۲۲}، ۲۰۰۵). در این فرایند، مدرس نه‌تنها باید از زبان کلامی استفاده کند، بلکه باید از زبان غیرکلامی هم بهره بگیرد؛ چراکه آموزش حرفه‌ای است که در آن مهارت و کنترل زبان بدن بسیار مهم است. هدف اصلی رفتار غیرکلامی مدرسان در کلاس درس، افزایش دل‌بستگی یا علاقهٔ فراگیران به مطالب درسی، معلم و کلاس و تمایل

آن‌ها به یادگیری بیشتر مطالب درسی است. مدرسان باید به سه علت زیر از مهارت‌های غیر کلامی در کلاس درس آگاه باشند:

۱. آگاهی از رفتارهای غیر کلامی موجب می‌شود که دانش‌آموزان بتوانند پیام‌ها را به‌طور مؤثرتری یاد بگیرند؛

۲. دانش‌آموزان را به ارسال‌کنندهٔ بهتری از علامت‌های تقویت یادگیری تبدیل خواهد کرد؛

۳. این نحوهٔ ارتباط، درجهٔ روان‌شناختی درک بین معلم و دانش‌آموزان را افزایش می‌دهد.

همچنین استفادهٔ مؤثر از نشانه‌های غیر کلامی به بسیاری از شیوه‌های کلاس درس کمک می‌کند؛ از جمله:

۱. کاهش حرف‌های غیر ضروری معلمان در زمان صحبت کردن؛

۲. افزایش مشارکت یادگیرنده؛

۳. به وجود آوردن اعتماد به نفس؛

۴. کاهش ترس از سکوت؛

۵. حفظ جو کلاس درس گرم و دوستانه (کوپرولو^{۳۳}، ۲۰۱۴).

در قرآن به گونه‌هایی از این شیوهٔ ارتباطی، مانند حالات گوناگون چهره، تماس چشمی، شنوایی، لحن و تن صدا، تماس بدنی، خصوصیات ظاهری، بویایی، حریم و فاصلهٔ بین فردی، به‌صراحت یا ضمنی اشاراتی شده است. کارکردهای دوگانهٔ زبان بدن در قرآن می‌تواند دلیلی برای پیگیری شاخصه‌های این مهارت‌ها در این کتاب الهی باشد. در این میان، بیشترین آیات به‌صراحت و مستقیم به حالات و حرکات مختلف چهره اختصاص یافته و این خود دال بر اهمیت این ابزار ارتباطی در قرآن بوده است. موارد دیگر شامل تعجب، ترس، خشم و نگاه است که با نگرش توحیدمحور، هر یک از این مهارت‌ها با اصول ارتباط صحیح یعنی عدالت، احسان و اصل مسئولیت‌پذیری انطباق دارد؛ گرچه در ذیل آیات، از روایات و سیرهٔ معصومین (ع) بهره‌های وافر برده شده و چاشنی این مهارت‌ها آموزه‌های روان‌شناسان بوده است. البته در تمامی این موارد، محوریت با آیات نورانی قرآن کریم است. نکتهٔ مهم این است که ارتباطات غیر کلامی علت تامه برای فهم رفتار مخاطب نیست، ولی می‌توان با کمک این علائم و پیام‌ها، انسجام و پیوستگی بین آن‌ها، رفتار پیچیدهٔ انسان‌ها را اجماً تجزیه‌وتحلیل کرد. پس برای برداشت درست از رفتارهای غیر کلامی دیگران و جلوگیری از سوء تفاهم‌ها لازم است مجموع پیام‌ها و علائم با هم در نظر گرفته شوند (اسماعیلی‌دهاقانی و هادی، ۱۳۹۴).

احمدی (۱۳۹۹) در پژوهش خود دریافت که از دیدگاه دانشجویان، زبان بدن استادان نقش مؤثری در تدریس دارد و نتایج نشان داد که میان استفادهٔ کارآمد استادان از زبان بدن و درک مثبت دانشجویان از تدریس استاد رابطهٔ معناداری وجود دارد. نتایج پژوهش امین‌پور بهله و زرعی قولنجی (۱۳۹۸)

حاکمی از آن است که استفاده از زبان بدن و به‌کارگیری آن در تدریس و کلاس درس بسیار مؤثر است. نتایج پژوهش سلیمی (۱۳۹۳) نشان داد زبان‌آموزانی که در آموزش زبان از ارتباط غیرکلامی بهره می‌گرفتند به‌نسبت گروه کنترل، نمرات بیشتری داشتند. همچنین میانگین نمره شرکت‌کنندگان، نشانه نگرش مثبت آن‌ها به استفاده از ارتباط غیرکلامی در یادگیری زبان دوم بود. رحمانی و بنی‌اسدی (۱۳۹۱) در پژوهش خود دریافتند آموزش ارتباط غیرکلامی موجب کاهش علائم کم‌رویی در تمامی ابعاد شناختی، فیزیولوژیک و رفتاری می‌شود. همچنین نتایج پژوهش زاهد بابلان (۱۳۹۱) نشان داد که ارتباط غیرکلامی معلمان در جریان تدریس با ارتباط کلامی آنان متناسب بوده و برای دانش‌آموزان جنبه‌ترغیبی داشته است. اندازه‌های همخوانی مؤلفه‌های ارتباط غیرکلامی با کلامی معلمان پیش‌بینی معنی‌داری برای پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان است؛ سهم تمامی مؤلفه‌ها به‌جز آرامبخشی - تنشی در پیش‌بینی پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان معنی‌دار است.

نتایج پژوهش پترسون^{۲۴} (۲۰۱۷) نشان داد از جمله مزایای زبان بدن در تدریس، می‌توان به فراهم کردن اطلاعات بیشتر، تنظیم و برقراری تعادل میان استادان و دانشجویان، ابراز صمیمیت، اعمال نفوذ و مدیریت احساسات اشاره کرد. نتایج پژوهش گیولک و تمل (۲۰۱۵) نشان داد که مدرسان استفاده از زبان بدن را در آموزش ضروری دانسته‌اند، ولی مدرسان ریاضی در استفاده از زبان بدن تردید داشتند. نتایج پژوهش دوبرسکو و لوپو (۲۰۱۵) و تای (۲۰۱۴) حاکی از آن بود زبان بدن گفت‌وگوی بین مدرسان و فراگیران را تسهیل می‌کند و به‌راحتی می‌توانند احساسات و عواطف خود را بیان کنند. امروگلی^{۲۵} (۲۰۱۳) در پژوهش خود بیان کرده است که این باور وجود دارد که معلمان آینده‌ترکیه در بخش‌های آموزش، باید از نحوه کاربرد زبان بدن آگاهی داشته باشند و در دوره‌های آموزش سخنرانی، فقط در حوزه بیان کلامی تمرین نکنند؛ بلکه باید در حوزه بیان غیرکلامی نیز به تمرین بپردازند. علاوه بر این، استادان دانشگاه باید مدلی را برای فراگیران به‌منظور استفاده دقیق، کارآمد و مناسب از زبان بدن خود طراحی کنند. فریره^{۲۶} (۲۰۱۵) در نتایج پژوهش خود بیان کرد که استفاده معلمان از مهارت‌های غیرکلامی تأثیر مثبتی در یادگیری دانش‌آموزان دارد؛ بدین‌منظور از طریق مشاهده و مصاحبه به بررسی مهارت‌های ارتباطی معلمان پرداخت و پس از تجزیه و تحلیل بیان داشت استفاده معلمان از مهارت‌های غیرکلامی در یادگیری دانش‌آموزان تأثیر مثبتی دارد.

بیلر و کیم^{۲۷} (۲۰۰۹) در پژوهش خود بر اهمیت مهارت‌های ارتباطی در پیشرفت تحصیلی دانشجویان تأکید می‌کنند. همچنین پژوهش‌ها نشان دادند که استفاده از ژست‌های چهره، صورت و بدن در برقراری ارتباط اجتماعی و امری یادگیری معنی‌دار است و نتایج آن نشان داد که در استفاده از مهارت‌های غیرکلامی، بیان چهره‌ای و ژست بدن در یادگیری و درک و فهم دانش‌آموزان تأثیر معناداری دارد. نتایج مطالعه بگ‌سی^{۲۸} (۲۰۰۸) نشان داد معلمانی که از زبان بدن آگاهی دارند، در مدیریت کلاس درس و موفقیت دانش‌آموزان مؤثرترند. همچنین او در پژوهش خود دریافت که مهارت‌های مدرسان در استفاده از زبان بدن

به افزایش علاقه و منافع فراگیران در طول دوره منجر شده است و مدرسان با قابلیت استفاده مؤثر از زبان بدن می‌توانند دوره مؤثرتری با فراگیران داشته باشند. نتایج مطالعات بسارن و ارادم^{۲۹} (۲۰۰۹) و زکیا^{۳۰} (۲۰۰۹) نشان داد که استرس، زیرویمی صدا، تلفظ، آهنگ، صلاحیت در استفاده از زبان، رسایی صدا از بلندگو، اهمیت دقیق و مؤثری در سخنرانی دارند و همچنین به این نتایج دست یافتند که استفاده از زبان بدن در مدیریت و آموزش کلاس درس مؤثر بوده است. کالسکن^{۳۱} (۲۰۰۳) در پژوهش خود، به ارزیابی نگرش معلمان در مورد ارتباط غیر کلامی در کلاس درس پرداخته است. او در پژوهش خود به این نتیجه رسیده است که معلمان در کلاس درس به میزان کافی از زبان بدن استفاده نمی‌کنند.

مدرسان به کاربرد زبان بدن به‌منظور تکمیل فرایند آموزشی مؤثرتر نیاز دارند. حرکات زبان بدن مدرسان و درک درست و دقیق یادگیرندگان در این فرایند تعاملی اهمیت دارد. مدرسان نباید فقط از یک دانش تخصصی برخوردار باشند، بلکه باید از شخصیت فراگیران و سازمان‌دهی فعالیت‌های آموزشی مناسب نیز آگاه باشند. مدرسان باید از ابزارهای غیر کلامی در محیط کلاس استفاده کنند که بیشترین تأثیر را در فراگیران داشته باشند؛ اما هریک از این حرکات به‌منظور گفتمان ویژه‌ای به کار می‌رود؛ بنابراین در این پژوهش سعی بر آن است که حرکات زبان بدن مدرسان هنگام تدریس تحلیل و نوع گفتمان‌های رایج بر این حرکات مشخص شود.

■ روش پژوهش

به‌منظور پاسخگویی به سؤال‌های پژوهش، رویکرد روش‌شناختی کیفی مدنظر قرار گرفت. با استفاده از این رویکرد، ضمن آنکه موقعیت‌ها، شرایط و نیازهای افراد مطالعه‌شده پاسخ داده می‌شود، تلاش می‌شود که تحلیلی مبتنی بر بافت، زمینه و وضعیت ارائه شود. روش پژوهش حاضر، کیفی از نوع پدیدارشناسی بوده و از لحاظ هدف می‌توان آن را از نوع کاربردی قلمداد کرد. جامعه آماری پژوهش حاضر را مدرسان دانشگاه فرهنگیان یاسوج در سال ۹۷-۹۶ به‌منزله مشارکت‌کنندگان بالقوه تشکیل می‌دهند که از بین آن‌ها پانزده نفر با استفاده از رویکرد هدفمند و روش نمونه‌گیری افراد کانونی^{۳۲} متناسب با موضوع پژوهش (صاحب‌نظران اصلی^{۳۳}) و استفاده از معیار کفایت «اشباع نظری^{۳۴} اطلاعات» و بر اساس داشتن تجربه بیش از سه سال سابقه تدریس در کلاس‌های درس دانشگاه فرهنگیان انتخاب شدند؛ بدینگونه که مصاحبه‌ها تا جایی پیش رفت که محقق به اشباع نظری رسید و مصاحبه‌های بیشتر، اطلاعات جدیدی ارائه نمی‌کرد و در طی چند مصاحبه پایانی، پژوهشگران به این نتیجه رسیدند که مضامین در حال تکرار شدن‌اند. قبل از انجام مصاحبه، درباره محرمانه‌بودن اطلاعات اطمینان داده شد و مصاحبه با اجازه آن‌ها با استفاده از دستگاه MP۳ ضبط و سپس به‌منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها بر روی کاغذ پیاده شدند. مصاحبه فردی را پژوهشگر در شرایطی غیررسمی انجام داد. ابزار گردآوری داده‌ها، مصاحبه نیمه‌سازمان‌یافته است که با بهره‌گیری از آن، به شناسایی گفتمان‌های رایج در نظام نشانه‌شناسی زبان بدن مدرسان پرداخته شد. متن سؤال‌های مصاحبه به چند نفر

از متخصصان و استادان علوم تربیتی داده شده تا نظریات و اصلاحات خود را اعلام کنند. برای اعتباربخشی به متن سؤال‌های مصاحبه از هفت نفر از مدرسان علوم تربیتی استفاده شد. سؤال‌ها در راستای اهداف پژوهش مطرح شد و افراد پاسخ‌های خود را ارائه کردند. جلسات بین ۲۵ تا ۴۰ دقیقه طول کشید. پژوهشگر برای انجام مصاحبه‌ها، نامه‌ای را با ذکر اهداف پژوهش، نقش مصاحبه‌شونده در انجام پژوهش و سؤال‌های مصاحبه تنظیم و به صورت حضوری و پست الکترونیک تقدیم مصاحبه‌شوندگان کرد. در این پژوهش، سعی شد رضایت مصاحبه‌شونده جلب شود. زمان و مکان مصاحبه با نظر مصاحبه‌شوندگان تنظیم شد. ارسال این اطلاعات باعث شد مصاحبه‌شوندگان به اهمیت پژوهش پی ببرند و با آمادگی قبلی به سؤال‌ها پاسخ دهند. به اعتقاد همرسلی^{۳۵} (۲۰۱۸) جنبه دیگری از روایی، مناسبت و مربوط بودن است و مقصود آن است که هر پژوهشی هم باید برای افرادی که مطالعه انجام داده‌اند و هم برای کسانی که گزارش آنان را می‌خوانند با معنا و مفید باشد و این ملاک برای ارزشیابی پژوهش کیفی اهمیت شایانی دارد. به منظور تبیین صحت و استحکام داده‌ها، که به نوعی مشابه روایی و پایایی پژوهش‌های کمی است، با استفاده از مطالعه و بررسی مستمر داده‌ها، بازنگری تجزیه و تحلیلی که همکاران انجام دادند، و همچنین طرح و بازنگری نوشته‌های شرکت‌کنندگان در مطالعه مقبولیت داده‌ها انجام شد. برای افزایش پایایی پژوهش، مصاحبه‌ها با برنامه قبلی در فضایی مناسب و رعایت شرایط مصاحبه با راهنمایی‌های لازم و به دور از سوگیری و اعمال نظر شخصی و با استفاده از دستگاه ضبط صوت انجام شد. هم‌زمان با گردآوری داده‌ها، تجزیه و تحلیل آن‌ها با دو هدف بازخورد برای مصاحبه‌های فردی و اطمینان از اشباع داده‌ها آغاز شد. علاوه بر این، از روش مسیر ممیزی برای تأیید صحت و درستی داده‌ها استفاده شد. در مسیر ممیزی، افراد خارج از پژوهش، که به مطالعات کیفی آشنا نیستند، در نقش چک‌کننده و ناظر عمل می‌کنند. در پژوهش حاضر، از یک ناظر خارجی باتجربه در تحقیق کیفی استفاده شد که زیربنای تئوریک، فرایند جمع‌آوری داده‌ها و فرایند تحلیل را بررسی و تأیید کرد و در نتیجه قابلیت اطمینان مطالعه حاصل شد.

برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از تحلیل توصیفی استفاده و جزئیات یافته‌ها تفسیر شده است. تحلیل توصیفی به منظور ارائه داده‌های جمع‌آوری شده به خواننده، از طریق تفسیر و ویرایش انجام شده است. در این پژوهش، روش تحلیل توصیفی بدین منظور ترجیح داده شده است که به طور مؤثری منعکس‌کننده گفتمان حاکم بر تدریس مدرسان با استفاده از نقلقول‌های مستقیم شرکت‌کنندگان است. پس از پیاده‌سازی مصاحبه‌های انجام‌شده، مقوله‌های اصلی درون متن شناسایی و طبقه‌بندی شدند. آنگاه مؤلفه‌های فهرست‌شده تعدیل و موارد مشابه ترکیب و در نهایت گفتمان‌های محوری شناسایی شدند. برای افزایش دقت در تحلیل داده‌ها، در بخش کیفی از نرم‌افزار مکس کیودا^{۳۶} استفاده شده است. محرمانه‌بودن اطلاعات شخصی مصاحبه‌شوندگان، مختاربودن برای شرکت در مصاحبه و نتایج حاصل از مصاحبه‌ها از رعایت نکات اخلاقی در هر پژوهش است. به مصاحبه‌شونده‌های پژوهش حاضر در خصوص رعایت این موارد نیز اطمینان خاطر داده شد.

یافته‌ها

در این پژوهش هفت نوع گفتمان شناسایی شد که عبارت‌اند از: گفتمان هشدار، تأیید و عدم تأیید، صمیمیت، اعتماد، عصبانیت، تفکر، و کنترل در حرکات غیر کلامی مدرسان. این گفتمان‌ها محصول نوعی ترکیب حرکات زبان بدن است که بر اساس موقعیت‌های پیش روی مدرسان پدید می‌آید. به‌عبارت‌دیگر، هر گفتمان از ترکیب و منعکس‌کردن حرکات زبان بدن ایجاد می‌شود. هریک از این گفتمان‌ها فراگیران را به سمت خاصی هدایت می‌کند و حاوی یک پیام است. در ادامه دربارهٔ هریک از این گفتمان‌ها توضیحاتی ارائه می‌شود:

گفتمان هشدار

یکی از مقوله‌هایی که تمامی مصاحبه‌کنندگان به آن اشاره داشته‌اند گفتمان هشدار در جریان کلاس درس است. حرکات در این گفتمان عمدتاً پیامی بیمناک دارند. بسیاری از این حرکات با «خشم» و «خطر» همراه‌اند. در این باره مدرس شماره ۳ می‌گوید: «هنگامی که می‌خواهم دانشجویانم را از خطر نمره در اواخر ترم آگاه کنم، از انگشت اشاره و تکاندادن آن توأمان با سخن استفاده می‌کنم.» شرکت‌کننده شماره ۷ در این مورد اظهار می‌دارد: «وقتی که دانشجویانم درس تدریس‌شده هفته گذشته را مطالعه نکرده‌اند برای اینکه بفهمند از کارشان خشمگین شده‌ام لب‌هایم را می‌جوم و بیش از حد چشم‌انم را باز می‌کنم.» همچنین مصاحبه‌شونده شماره ۱۱ بیان می‌کند: «در برخی از کلاس‌ها که از دانشجویها شیطنت‌های کوچکی می‌بینم یا اینکه کنار دستی خود را اذیت می‌کنند دستم را به نشانه هشدار پشت گردنم می‌گذارم و سرم را به این طرف و آن طرف (چپ و راست) تکان می‌دهم و با نگاهی کوتاه به آن می‌فهمانم که از حرکت آن‌ها خشمگین شدم.» خشم با نگاه محکم و ثابت به منبع رنجش، اخم یا ترش‌رویی و به‌هم‌فشاردن دندان‌ها مشخص می‌شود. برخی افراد در هنگام خشم رنگشان می‌پرد، اما عده‌ای دیگر در خشم شدید، قرمز و حتی مایل به ارغوانی می‌شوند. مدرسان برای نشان دادن خشم خود، در مراتبی گوناگون، با دیگران ارتباط غیر کلامی برقرار می‌کنند و آن‌ها را از میزان خشم خود آگاه می‌سازند (شکل ۱).



شکل ۱. گفتمان هشدار

شکل ۱ نشان‌دهنده حرکتی هشدارآمیز است و مفهومی این است که «اگر چنین کاری را انجام ندهید»، ممکن است عواقب بدی در انتظار تان (فراگیران) باشد. مدرس می‌کند در هنگام هشدار به دانشجویان در زمینه تکالیفشان از انگشت اشاره خود استفاده می‌کند در آنها این احساس را برمی‌انگیزد که باید آن کار را انجام دهند، در غیر این صورت ممکن است در جلسات بعدی کلاس عواقب بدی در انتظارشان باشد. حرکات دیگر زبان بدن، که مدرسان با گفتمان هشدار به کار می‌برند، عبارت‌اند از: ابروگره‌کردن، ابرو و سیما ترش کردن، لب‌جویدن، چشم در چشم شدن بیش از دو سوم گفت‌وگو (مردمک منقبض)، نگاه از گوشه چشم با حرکت ابروها و گوشه لب پایین آوردن، گرفتن بازوی یک دست با دست دیگر در پشت (خشم زیاد)، قفل‌کردن پاها درهم، دست‌خیزیدن و روی خشمگین. این نشانه‌ها در هنگام به کار بردن ارتباط کلامی استفاده می‌شوند.

◀ گفتمان تأیید و عدم تأیید

گفتمان تأیید (موافق) حرکتی است که برای تصدیق و تأیید اعمال دیگران استفاده می‌شوند و گفتمان عدم تأیید (مخالف) حرکتی است که به منظور مخالفت یا عدم تأیید گفته‌های دیگران استفاده می‌شوند. برای مثال، مصاحبه‌شونده‌های شماره‌های ۱، ۴ و ۸ بیان می‌دارند: «هنگامی که دانشجویانم برای تأیید صحبت‌هایشان به من نگاه می‌کنند، من هم با حرکت سر به پایین سخنان آن‌ها را تأیید می‌کنم و در برخی موارد با بستن چشمانم، حرف‌های آن‌ها را تأیید می‌کنم. به‌علاوه، هر وقتی که سخنان آن‌ها صحیح نباشد با حرکت سر رو به بالا، آن‌ها را تأیید نمی‌کنم.» شرکت‌کننده شماره ۱۱ بیان می‌دارد: «در بعضی مواقع که نمی‌خواهم حرف‌های دانشجویانم را تأیید کنم دست خود را چند ثانیه روی گوش خود می‌گذارم و علاوه بر عدم تأیید حرف‌هایشان، آن‌ها را از ادامه صحبت کردن انصراف می‌دهم.» مدرسان شماره ۴ و ۷ بیان کردند: «زمانی که دانشجویی سؤالی را همراه با جواب ارائه می‌دهد یا اینکه درخواست می‌کند جواب تلفن همراه خود را بیرون از کلاس بدهد و به خارج از کلاس برود، یا سرم را به پایین می‌آورم به معنای قبول کردن یا اینکه سر را به سمت در کلاس حرکت می‌دهم.» تصویر شماره ۲ نمونه رایج از اشاره تأییدی و عدم تأییدی است. اشاره اصلی، علامت دست روی دست است که انگشت سبابه به سمت بالا (روی گونه) قرار گرفته، درحالی‌که انگشت دیگر دهان را پوشش داده و انگشت شست تکیه‌گاهی برای چانه فراهم کرده است. وقتی شنونده از سخنگو انتقاد دارد، این موضوع با روی هم قراردادن پاهایش و دستی که روی سینه قرار گرفته است، درحالی‌که سر و چانه به سمت پایین است، مشخص می‌شود. این «جمله» غیرکلامی حاکی از چنین تعبیری است: «من از حرفت خوشم نمی‌آید و با تو مخالفم.»



شکل ۲. گفتمان تأیید و عدم تأیید

تکاندادن سر و دست به وضوح داشتن یا نداشتن توافق را بدون نیاز به کلمات منتقل می‌کند. مثلاً، تکاندادن سر به دو شکل عمودی و افقی صورت می‌گیرد که حرکت سر مدرسان به سمت افقی به معنای تأییدنکردن مطالب فراگیران است و حرکت سر در جهت عمودی نشان‌دهنده توافق مدرسان با صحبت‌های فراگیر است. اکمن و استر^{۳۷} (۱۹۷۹) معتقدند ما با کجکردن سر علاقه‌مندی خود را به حرف‌های طرف مقابل ابراز می‌کنیم. علاوه بر این، با تکان‌های سر تمايلمان را به ادامه صحبت نشان می‌دهیم و مدرسان نیز از همین روش برای تشویق فراگیران به صحبت استفاده می‌کنند. از جمله حرکاتی که به منظور گفتمان تأییدی استفاده می‌شوند عبارت‌اند از: پایین‌آوردن سر، پایین‌آوردن چانه و جلو آوردن سر، نزدیک‌شدن به مخاطب، کف‌زدن (تند)؛ و در گفتمان عدم تأییدی به حرکاتی از جمله دور شدن از مخاطب، نگهداشتن سر به سمت پایین، بالا بردن چانه و عقب‌بردن سر و بالا بردن سر میتوان اشاره کرد.

◀ گفتمان صمیمیت (ایجاد انگیزه)

یکی دیگر از گفتمان‌هایی که اکثر مدرسان در تدریس خود به فراگیران استفاده می‌کردند گفتمان صمیمیت یا تحریک‌کننده است. انگیزه و تحریکی که مدرسان در فراگیران ایجاد می‌کنند یکی از گفتمان‌هایی است که فراگیران را به مطالعه سوق میدهد و همواره مسیر پیشرفت آن‌ها را میسر می‌سازد. آن‌ها برای انگیزه‌دار کردن فراگیران از زبان بدن خود با احساساتی مانند خنده و لبخند، غمگین‌بودن، علاقه، دست‌دادن با دو دست، مردمک باز چشم در زمان گفت‌وگو، نگهداشتن سر مایل به چپ یا راست همراه با لبخند، نگاه از گوشه چشم و لبخند و حرکت ابروها به بالا، چشم در چشم شدن در بیش از دوسوم گفت‌وگو (با مردمک باز)، دست‌دادن و گرفتن بازو یا شانه با دست

دیگر، دست‌دانی که کف دست به چپ یا راست باشد (برابری و تسلط‌نداشتن) استفاده می‌کنند. مثلاً، مدرس شماره ۱ و ۵ اظهار داشتند: «وقتی دانشجویان درباره موضوعی شروع به صحبت می‌کنند، بیشتر نگاه خود را با دقت به سمت آن‌ها می‌برند و با حرکت سر و توجه به صحبت‌هایشان رابطه صمیمی را میان خود و دانشجو افزایش می‌دهند.» مصاحبه‌شونده ۳، ۷ و ۹ بیان کردند: «در برخی مواقع، در اواسط زنگ، بین دانشجویان می‌روم و با دستی روی شانه‌های آن‌ها و گرفتن بازویشان با آن‌ها رابطه صمیمی بیشتری برقرار می‌کنم.» شرکت‌کننده‌های ۱۱ و ۱۳ اظهار داشتند: «هنگامی که دانشجویان داستان یا حکایتی جالب و شوخ را در ارتباط با موضوع تدریس در کلاس درس مطرح می‌کنند، با بالابردن ابرو و لبخند و با نگاه کردن با گوشه چشم به او، به نوعی ضمن تشکر از او، بینمان ارتباط صمیمانه‌تری برقرار می‌کنم.» همچنین آن‌ها بیان کردند: «هنگام ورود به کلاس درس با آن‌ها با دو دست و محکم دست می‌دهند تا موجب افزایش این صمیمیت شوند.» مصاحبه‌شونده شماره ۳ نیز اذعان داشت: «هنگامی که در مورد مبحث یا محتوای موضوعی صحبت می‌کنم، بیش از دوسوم وقت صحبت کردن را چشم در چشم با مردمک باز به دانشجویان نگاه می‌کنم.»



جدول ۳. گفتمان صمیمیت

گفتمان اعتماد

از دیگر گفتمان‌هایی که مدرسان در تدریس خود از زبان بدن استفاده می‌کنند گفتمان اعتماد کردن است. در این گفتمان، مدرسان همواره درصدد جلب اعتماد فراگیران‌اند، صادقانه نگاه می‌کنند و بسیار گرم و صمیمانه دست می‌دهند. هنگام گوش‌دادن به صحبت‌های فراگیران، با زبان بدن (حرکات) خود نشان می‌دهند که مشتاق شنیدن همه جزئیات و صحبت‌های فراگیران‌اند. همچنین به نشانه محبت دستی بر شانه فراگیران می‌کشند و آنان را به بیرون هدایت می‌کنند. اگرچه ممکن است بالعکس آن وجود داشته باشد. مثلاً، مصاحبه‌شونده شماره ۴ اظهار داشت: «هنگامی که موضوعی را برای دانشجویانم در کلاس توضیح می‌دهم برای اینکه اعتماد آن‌ها به تسلط موضوع مورد بحث بیشتر شود، پشت میز یکی از دستانم را با دست دیگر می‌گیرم.» در همین مورد، مدرس

شماره ۱۳ بیان کرد: «من برای جلب اعتماد دانشجویانم دست به کمر می‌ایستم و توضیحاتم را ارائه می‌دهم». مصاحبه‌شونده شماره ۱۵ و ۱۲ نیز اظهار داشتند: «هنگامی که دانشجویان خواسته‌ای دارند با کمال میل و با دستانی باز و سری رو به بالا به تقاضای آن‌ها پاسخ مثبت می‌دهند.» یکی از تفاوت‌های ارتباط کلامی و غیرکلامی در اعتماد است زیرا ارتباط غیرکلامی مطمئن‌تر از اعتماد کلامی است. از جمله حرکات زبان بدن، که مدرسان به‌منظور گفتمان اعتماد استفاده می‌کنند، می‌توان به نگاه مستقیم، قلع‌ساختن با دست (هرچه دست‌ها بالاتر، اعتماد بیشتر)، گرفتن مچ یک دست با دست دیگر در پشت، دست به کمر زدن، نشسته، پا روی پا و دست‌ها قفل پشت گردن و نشسته، پاهای دراز و دست‌ها قفل پشت گردن اشاره کرد. برای مثال، مدرسی به فراگیری که در مقابلش قرار گرفته علاقه ندارد و حرف‌های او را تصدیق نمی‌کند. او سر و بدن خود را به‌سوی او نچرخانده است و درحالی‌که سرش کمی رو به پایین است، از بغل به او نگاه می‌کند. همچنین ابرو کمی به سمت پایین حرکت کرده، دست‌ها در زیر بغل قرار گرفته و گوشه‌های دهان رو به پایین است (شکل ۴).



جدول ۴. گفتمان اعتماد

◀ گفتمان عصبانیت (رضایت نداشتن)

یکی دیگر از کاربردهای زبان بدن مدرسان با هدف گفتمان دیگری، رضایت نداشتن مدرسان است؛ بدین‌معنی که مدرسان با حرکات زبان‌شان رضایت یا عصبانیت خود را به فراگیران نشان می‌دهند. در این مورد مدرس شماره ۳ بیان می‌کند: «بعضی اوقات که دانشجویانم کارهای کلاسی (تکالیف) را انجام نمی‌دهند از دست آن‌ها عصبانی می‌شوم و سعی می‌کنم عصبانیتم را به‌صورت

اخم کردن، برداشتن عینک از روی چشمانم و یا با قفل کردن انگشت‌های دستانم به هم نشان دهم.» از جمله حرکات زبان بدن، که بهم‌نظور گفت‌مان عصبانیت به کار برده می‌شود، حرکات ذیل است: ۱. دست‌بردن به موها؛ ۲. اخم کردن؛ ۳. لب‌خند تلخ همراه با برافروختگی چهره؛ ۴. گرفتن پشت گردن با دست؛ ۵. خاراندن گردن یا دور کردن یقه از گردن، و ۶. کنار گذاشتن عینک یا خودکاری که فرد در دهان گذاشته است. مثلاً، مدرسانی که مدت طولانی در یک کلاس درس یا روی صندلی ناراحتی بنشینند از حالت شکل ۵ استفاده می‌کنند. البته در هوای سرد کلاس درس هم این نوع نشستن مشاهده می‌شود. پاهای تاشده همراه با دست‌های تاشده نشان‌دهنده کنار کشیدن و قطع ارتباط با دیگران و ناراحتی است (شکل ۵). همچنین مدرسان شماره ۱، ۴ و ۹ اذعان کردند: «در برخی مواقع دانشجویانم سر کلاس درس با همدیگر به‌طور متوالی و بسیار زیادی و دوبه‌دو با هم حرف می‌زنند؛ بنابراین، برای اینکه بفهمند از دستشان ناراحت شدم دست را پشت گردنم می‌برم و آن را می‌خارانم.» مصاحبه‌شونده شماره ۲ اظهار داشت: «برخی مواقع بعضی از دانشجویان بهموقع سر کلاس نمی‌آیند یا دیر می‌رسند. زمانی که وارد کلاس می‌شوند سرم را به نشانه ناراحتی از آن‌ها به سمت راست و چپ تکان می‌دهم. در برخی موارد به‌جای این کار تا چند دقیقه روی صندلی خود دست‌به‌سینه می‌نشینم.»



جدول ۵. گفت‌مان عصبانیت

گفت‌مان تفکر

تفکر فرایندی است غیرمستقیم و فقط از طریق اعمال و تولیدات مشاهده می‌شود؛ یعنی، وقتی انسان حرکت یا رفتاری از خود نشان می‌دهد، مشخص می‌شود که این رفتار از افکار تعمدی ما سرچشمه گرفته است. کسی که می‌خواهد درباره چیزی فکر کند هر چه دانش بیشتری داشته باشد، بی‌شک تفکر بهتر و مؤثرتری درباره آن موضوع خواهد داشت. مصاحبه‌شونده شماره ۳ اظهار داشت: «هنگامی که دانشجویی درمورد مبحث تدریس‌شده یا مورد بحث سؤالی می‌پرسد، چانه خود را با دست می‌گیرم و درمورد سؤال پرسیده‌شده می‌اندیشم. برخی اوقات نیز به‌جای گرفتن چانه، دست

روی بینی خود می‌گذارم و درمورد سؤال فکر می‌کنم.» مدرس شماره ۵ می‌گوید: «قبل از اینکه بخواهم از دانشجویانم بپرسم که هفته قبل چه مبحث یا موضوعی را تدریس کردم ابروهایم را بالا می‌برم و سرم را می‌خارانم و به جایی خیره می‌شوم. به‌علاوه، در برخی اوقات که دانشجویانم از من سؤال می‌پرسند با همین حرکت در چند ثانیه بعد به آن‌ها پاسخ می‌دهم.» مصاحبه‌شونده شماره ۸ اظهار داشت: «هنگامی که می‌خواهم درمورد تکلیف جلسه آتی دانشجویان فکر کنم دست خود را زیر سر می‌گذارم و درمورد مرور تکالیف جلسه قبل و جلسه آینده فکر می‌کنم. مدرس شماره ۱ اذعان داشت: «هنگامی که دانشجویی سؤالی می‌پرسد، قبل از اینکه پاسخ نهایی را بدهم، دست در ریش خود می‌برم و آن را می‌خارانم و به آن سؤال فکر می‌کنم.»



شکل ۶. گفتمان تفکر

گفتمان کنترل

از دیگر گفتمان‌های موردنظر مدرس، که از حرکات غیر کلامی استفاده می‌کند، گفتمان کنترل دانشجویان است. کنترل دانشجویان به معنی فراهم کردن شرایط لازم برای تحقق یادگیری است؛ بنابراین، مهارت‌های کنترل کلاس درس سنگ بنای کل موفقیت در تدریس است. مثلاً، مدرسان شماره ۵، ۹، ۱۱ و ۱۵ بیان کردند که «برای کنترل کلاس درس، در بین صندلی‌ها یا جلوی تخته کلاس، شروع به قدم‌زدن می‌کنم.» همچنین شرکت‌کننده شماره ۱ و ۲ می‌گویند: «در برخی مواقع در کلاس‌های درس، برخی از دانش‌آموزان جو و فضای کلاس درس را در جهت دیگری سوق می‌دهند و من از این اتفاق خیلی ناراحت می‌شوم و برای کنترل کلاس درسم، دست خودم را مشت می‌کنم و ابتدا آرام‌آرام روی میز می‌کوبم و اگر به‌خوبی کنترل نشدند، محکم‌تر می‌کوبم. همچنین در برخی موارد، انگشت سبابه خود را برای دعوت به سکوت روی لب‌ها یا بینی‌ام می‌گذارم.» در همین مورد، مدرس شماره ۴ اظهار داشت که «در این هنگام به‌جای اینکه

دستم را روی میز بکوبم، از پاهایم استفاده می‌کنم. نخست آرام‌آرام و سپس تندتر پایم را بر زمین می‌کوبم.» همچنین او بیان کرد: «در برخی مواقع با حرکت دست به سمت پایین به دانشجویانم القا می‌کنم که روی صندلی‌های خود بنشینند.» مصاحبه‌شونده شماره ۸ اظهار داشت: «وقتی دانشجویان بسیار زیاد شلوغ می‌کنند و صدایشان بلند است برای اینکه کنترل شوند و صدایشان پایین آید از دستم استفاده می‌کنم؛ [نشان میدهد] به این صورت دستم را بالا و پایین می‌کنم. این کار باعث می‌شود صدای آن‌ها کم شود.»



شکل ۷. گفتمان کنترل

■ بحث و نتیجه‌گیری ■

یافته‌های پژوهش نشان داد مدرسان در تدریس خود از گفتمان‌های بسیاری استفاده می‌کنند. یکی از این گفتمان‌ها، که به‌وفور از آن استفاده شده، گفتمان هشدار است. تحلیل مصاحبه‌ها نشان داد که مدرسان زبان بدن را برای هشدار به دانشجویان خود به کار می‌گیرند. به نظر می‌رسد این نوع گفتمان مدرسان مجازاً دانشجویانشان را به تسلیم می‌کشاند. استفاده از این حرکات در دانشجویان، این هشدار را به آن‌ها یادآور می‌شود که مواظب اعمال و رفتار خود در حین و بعد از کلاس باشند. هشدارهای یک استاد می‌تواند تلنگری برای دانشجو باشد که او را در زمینه‌های گوناگون بیدار میکند. استاد می‌تواند هشدار آموزشی دهد، اما در کنار این دست هشدارها می‌توان از هشدارهای تربیتی نیز استفاده کرد.

گفتمان دیگری که مدرسان در کلاس درس به آن توجه کرده‌اند گفتمان تأیید و عدم تأیید (موافق بودن و موافق نبودن) صحبت‌های دانشجویان است. طبق تحلیل مصاحبه‌ها، اکثریت دانشجویان بر این باور بودند که بیشتر استادانشان از این

گفتمان در تدریس خود مکرراً استفاده می‌کردند. این حرکت از زبان بدن بیشتر در تأیید و عدم تأیید حرف‌های دانشجویان کاربرد دارد و به آن‌ها نشان می‌دهد که حرف‌هایشان را می‌فهمند یا نمی‌فهمند و به نظرهای دانشجویان گوش میدهند یا آن را نمی‌پذیرند. از دیگر یافته‌های پژوهش، کاربرد گفتمان اعتماد به مدرسان با استفاده از زبان بدن آن‌هاست. اعتماد فراگیر به مدرس توانایی یادگیری عمیق دانش را در پی خواهد داشت زیرا این نتایج در پژوهش میلوانوییک^{۳۸} (۲۰۱۵) تأیید شده است. میلوانوییک (۲۰۱۵) در پژوهش خود به این نتیجه رسید که اگر فراگیران مدرس خود را قابل اعتماد ندانند، احتمال پذیرش مدرسان نزد آنان کاهش می‌یابد و به علت وجود رابطه و اعتماد فردی مدرس و فراگیران است که طرفین می‌توانند بر یکدیگر با چشم‌اندازی مشترک برای رسیدن به موفقیت بنگرند و چنانچه معلم رفتاری دوستانه داشته باشد، موجب فعال تر شدن فراگیران و افزایش اعتماد به نفس و عزت نفس آنها خواهد شد.

گفتمان صمیمیت از دیگر گفتمان‌هایی است که مدرسان استفاده می‌کنند. مدرسان با استفاده از گفتمان صمیمیت علاقه فراگیران را به درس و مطالعه افزایش می‌دهند و فراگیران در قبال درس و محتوایی که تدریس می‌شود به مطالعه تحریک می‌شوند. ارتباط غیرکلامی مؤثر میان مدرس و فراگیران عامل اصلی علاقه مثبت در یادگیری است. هر قدر ارتباط غیرکلامی میان مدرس و فراگیران بیشتر شود، علاقه و صمیمیت و یادگیری شناختی بیشتر خواهد شد. مؤثر بودن صمیمیت از طریق رفتارهای غیرکلامی بیشتر از صمیمیت از طریق رفتار کلامی است. یافته‌های این پژوهش با نتایج پژوهش کوپرولو (۲۰۱۴) همخوانی دارد. نتایج این پژوهش حاکی از آن بود که رفتار غیرکلامی معلم فرایند یادگیری را بهبود می‌بخشد، نگرشی مثبت به درس در دانشجویان شکل میدهد، تعامل بین مدرس و دانشجویان را افزایش می‌دهد و یادگیری عاطفی را از طریق افزایش انگیزه بالا می‌برد. همچنین بررسی اندرسون^{۳۹} (۲۰۰۷) نشان داد دانشجویانی که مدرس صمیمی دارند، به استاد، محتوای درس و انجام دادن تکالیف نگرش مثبتی دارند. در نظریه رویکرد اجتناب، مردم به چیزهایی تمایل دارند که از آن‌ها لذت می‌برند و برعکس از چیزهایی اجتناب می‌کنند که ترس یا درد دارند. این نظریه درباره روابط مدرس و دانشجویان صادق است. هنگامی که استادی با صمیمیت رفتار می‌کند، احساس اینکه همیشه در دسترس آن‌هاست و هر زمان که درصدد ارتباط با او باشند با روی باز از آن‌ها استقبال خواهد کرد را به وجود می‌آورد. بنابراین

دانشجو به استاد جذب می‌شود. برعکس اگر استاد صمیمی نباشد، دانشجویانش از ارتباط با او اجتناب می‌کنند. از نظر کوساناگی^{۴۰} (۲۰۰۳) زبان بدن مدرسان سبب آرامش فراگیران می‌شود و عاملی مؤثر در شکل‌گیری روابط مثبت، مهیج و سرگرم‌کننده میان آنان است.

سایر یافته‌های پژوهش نشان داد از زبان بدن به‌منظور گفتمانی دیگر به نام گفتمان تفکر استفاده می‌شود. تحلیل مصاحبه‌ها نشان داد که مدرسان از حرکات بدن خود به‌منظور گفتمان تفکر در کلاس‌های درس استفاده می‌کنند. برای اینکه دانشجویان افراد مفیدی در جامعه باشند باید متفکر و خلاق باشند و بینشی علمی داشته باشند. این فقط با حرکات کلامی در کلاس درس گنجانده نمی‌شود، بلکه مدرسان باید در برنامه‌های خود چگونه فکر کردن و تفکر را به آن‌ها بیاموزند. مدرسان با انجام دادن حرکات غیرکلامی در کلاس درس و نحوه فکر کردن به موضوعات باید نحوه فکر کردن را به دانشجویان یاد بدهند. تشویق و ترغیب دانشجویان به تفکر و اندیشه باید از اساسی‌ترین فعالیت‌های آموزشی استادان به‌شمار رود. مدرسان باتجربه و کاربلد دانشجویان خود را در محیط‌های آموزشی با مسائلی روبه‌رو می‌سازند که برای حل آن‌ها به اندیشه و تفکر نیاز داشته باشند. تفکر زمانی حاصل می‌شود که فرد با مسئله یا مشکل جدیدی مواجه شود و درصدد حل آن‌ها برآید. مدرسان باید گرایش به تفکر را در دانشجویان تقویت کنند. نتایج پژوهش ریچارت و همکاران^{۴۱} (۲۰۰۶) نشان داد صرفاً با آموزش مهارت‌های اندیشیدن به دانشجویان نمی‌توان اندیشه‌ورشدن آن‌ها را تضمین کرد، بلکه به چیزی فراتر از مهارت صرف نیاز است و آن گرایش به تفکر است.

از دیگر گفتمان‌هایی که مدرسان از زبان بدن استفاده می‌کنند، گفتمان کنترل دانشجویان است. در تبیین این یافته می‌توان بیان کرد اساس و بنیاد مدیریت رفتار مؤثر ایجاد موقعیت و جو مثبت در کلاس درس است. ارتباط مؤثر و مثبت میان مدرسان و دانشجویان، توان آن‌ها را برای هدایت و تحت‌تأثیر قرار دادن دانشجویان در کلاس درس دوچندان خواهد کرد. همچنین کنترل نکردن مناسب دانشجویان به کاهش کارایی مدرس در رسیدن به هدف خود منجر و در نتیجه مانع پیشرفت تحصیلی دانشجویان خواهد شد. افزون بر این، استادان باید همه تلاش خود را برای کنترل کلاس درس و نظارت بر تعامل اجتماعی و رفتار دانشجویان به کار گیرند. آن‌ها باید به‌گونه‌ای کلاس درس را مدیریت کنند که دانشجومعلم بتوانند در هنگام کلاس‌داری خود، کنترل کلاس را در دست گیرند زیرا مدیریت رفتار

دانش‌آموزان از پایدارترین و گسترده‌ترین چالش‌های پیش‌روی معلمان در ابتدای کارشان است. همچنین این موضوع یکی از نگرانی‌های شایع معلمان باتجربه و تازه‌کار است که در میان معلمان تازه‌کار بیشتر است.

نتیجه آنکه زبان بدن در تدریس وظیفه مهمی، از جمله ساده‌سازی مطالب، را بر عهده دارد. مدرسان از این طریق می‌توانند ارتباط خوبی با دانشجویان برقرار کنند زیرا بدن ما در هر لحظه، اطلاعات بسیاری را برای مخاطب خود ارسال می‌کند. از آنچه فکر و احساس می‌کنیم تا ایما، اشارات، حرکات و انقباض عضلاتی بدن، همه این‌ها مجموعاً اطلاعات زیادی را به مخاطب می‌فرستد. همچنین معمولاً مخاطبان به زبان بدن اعتماد بیشتری دارند زیرا نشانه‌های زیادی وجود دارد که سخنگو قادر به هدایت آن‌ها نیست، از قبیل سرخشدن چهره و علائم دیگر که بدون کلام واقعیت را به مخاطب می‌گوید. هر حرکتی که استادان در کلاس انجام دهند به‌نوعی در حرکات دانشجویان تأثیر می‌گذارد زیرا مغز انسان ارگانی مقلد است، بدینگونه که فراگیر آنچه را احساس می‌کند تقلید می‌کند و مسئول این تقلید، عصب‌های آینه‌ای مغز است. هر رفتار و حرکتی که مدرس داشته باشد، از جمله خواب‌آلوده‌بودن یا خستگی یا خشم‌داشتن، در فراگیر تأثیرگذار خواهد بود. زبان بدن احتمال موفقیت یا شکست انسان را در برخورد‌های اجتماعی، شخصی و شغلی به‌شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد. انسان‌ها می‌توانند با زبان بدن، طرف مقابل را بهتر درک کنند؛ از اینرو، می‌توان گفت با استفاده صحیح و اصولی از زبان بدن می‌توان ارتباط بهتری با افراد داشت و از سوءتفاهم‌ها و آغاز هرگونه تعارضی جلوگیری کرد. اگر همه انسان‌ها در گفتارهای روزمره و روابط رسمی خود آگاهی بیشتری از زبان بدن داشته باشند، شاهد موفق‌تر بودن ارتباطاتشان خواهند بود که بی‌تردید شرط لازم برای پیشرفت در تمامی عرصه‌های اجتماعی است. زبان بدن جایگزین، مکمل، مخالف و مغایر پیام‌های کلامی مدرسان است و به ترسیم و توصیف محتوای تدریس کمک می‌کند یا به تأکید بر بخش‌های کلامی می‌افزاید و به تنظیم جریان ارتباط و شروع و حفظ ارتباط با دانشجویان نیز کمک می‌کند. فقط آنچه استادان در کلاس تدریس می‌کنند اهمیت ندارد، بلکه نحوه بیان مطالب نیز بسیار مهم است و در یادگیری دانشجویان تأثیر متفاوتی به جا می‌گذارد. از آنجاکه تدریس استادان باید بر یادگیری دانشجو محور متمرکز باشد و نقش استادان در حکم تسهیل‌کننده یادگیری تغییر یابد، بنابراین کاربرد زبان بدن در جریان تدریس و کلاس درس

تأثیرگذار و استادان در انتقال محتوای تدریس موفق‌تر خواهند بود. علاوه بر این، استفاده از زبان بدن در انگیزه دانشجویان به برقراری ارتباط با دیگران، مدیریت کلاس، تحریک تعامل در کلاس درس، تقویت و تسهیل ادراک دانشجویان، تأیید نظرها و سؤال‌های دانشجویان، نشان دادن اقتدار و قدرت و نفوذ، کمک، تصحیح، رد و پذیرش پاسخ یا ایده دانشجویان، جلب توجه دانشجویان، کارآمد و مؤثر کردن تدریس، سازگار کردن روش‌های تدریس و محتوا، احساس مثبت داشتن به طرف متقابل و افزایش تعامل و مهارت‌های اجتماعی مؤثر است.

در نهایت با توجه به نتایج به دست آمده پیشنهاد می‌شود آموزش عالی و آموزش و پرورش برای مدرسان و معلمان خود کارگاه‌هایی به منظور آشنایی آنها با حرکات زبان بدن برگزار کند، چراکه آشنایی با این حرکات موجب علاقه و یادگیری شناختی آنها می‌شود. با عنایت به گفتمان اعتماد، به مدرسان و معلمان و به‌طور کلی تدریس‌کنندگان پیشنهاد می‌شود شرایطی فراهم کنند که از طریق آن بتوان نگرش فراگیران به مدرسان را مثبت و اعتمادپذیر کرد. همچنین آشنایی دانشجویان با زبان بدن استادان و نقش زبان بدن در برقراری ارتباط زمینه را برای بهبود فرایند یادگیری و پیشرفت تحصیلی آنها فراهم می‌سازد.

پیشنهاد می‌شود دانشگاه فرهنگیان تدریس زبان بدن را به‌منزله واحدی درسی در برنامه درسی رشته‌ها تدوین کنند. مدرسان باید بدانند که از مهارت‌های زبان بدن در کجا و چه موقع استفاده کنند و بدین‌گونه با تغییر زبان بدن خود نتایج لازم را به دست آورند. به‌عبارت‌دیگر، مدرسان باید درباره نوع زبان بدن که در کلاس درس استفاده می‌کنند و نحوه کاربرد آن محتاط باشند و مطمئن شوند که بر اساس درک و واکنش دانشجویان است. محدود بودن جامعه آماری پژوهش در دانشگاه فرهنگیان از جمله محدودیت‌های پژوهش است. مشخص نیست که در سایر دانشگاه‌ها گفتمان‌های رایج در زبان بدن استادان چگونه خواهد بود؛ بنابراین، در تعمیم نتایج پژوهش حاضر به سایر دانشگاه‌ها باید احتیاط شود.

منابع

- احمدی، مریم. (۱۳۹۹). بررسی نقش زبان بدن در تدریس مؤثر از دیدگاه دانشجویان دانشگاه اراک در سال تحصیلی ۹۸-۹۹ (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه پیام نور استان مرکزی.
- اسماعیلی دهقانی، داود و هادی، اصغر. (۱۳۹۴). نقش مهارت‌های غیرکلامی از منظر قرآن (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). حوزه علمیه خواهران اصفهان.
- امین پوربهره، جاوید و زرعی قولنجی، آرمان. (۱۳۹۸). تأملی بر استفاده معلم از زبان بدن در تدریس. ششمین کنفرانس ملی روان‌شناسی، علوم تربیتی و اجتماعی، تهران.
- آرزیل، مایکل. (۱۹۹۰). روان‌شناسی ارتباط و حرکات بدن (ترجمه مرجان فرجی). انتشارات مهتاب.
- بارسلطان، سیده الهام. (۱۳۸۳). زبان بدن، زبان مشترک ملت‌هاست. روان‌شناسی جامعه، ۲(۱۵ و ۱۶)، ۶-۸.
- باقری خلیلی، علی‌اکبر و زلیکانی، مرضیه. (۱۳۹۴). تحلیل سیاسی زبان بدن در تاریخ بیهقی. متن پژوهی ادبی، ۱۹(۶۵)، ۷۹-۱۰۰.
- بهنام، مینا، قوام، ابوالقاسم، تقوی، محمد و هاشمی، محمدرضا. (۱۳۹۳). گفتار بی صدا بر زبان بدن در غزلیات شمس. زبان و ادبیات فارسی ادبی، ۱۱(۱)، ۳۳-۴۸.
- پرهام، رقیه. (۱۳۸۴). ارتباطات غیرکلامی و شیوه‌های بهبود آن‌ها. تغییرات فرهنگی، ۲(پیش شماره ۴)، ۱۷۰-۱۹۱.
- جمالی، نیلوفر و افضل طوسی، غفت‌سادات. (۱۳۹۸). زبان بدن و نقش آن در آگهی‌های تبلیغاتی (مطالعه موردی: آگهی تبلیغاتی چهره‌های مشهور ایرانی). فصلنامه جلوه هنر، ۱۱(۴)، ۱۷-۲۶.
- رحمانی، رعنا و بنی‌اسدی، حسن. (۱۳۹۱). اثربخشی آموزش ارتباط غیرکلامی بر کاهش کم‌رویی. اندیشه و رفتار در روان‌شناسی بالینی، ۷(۲۶)، ۴۷-۵۶.
- روستایی، مریم. (۱۳۹۲). برای موفقیت از زبان بدن در ارتباطات استفاده کنیم. ماهنامه روابط عمومی، (۹۱)، ۱۹.
- ریچموند، ویرجینیایی و مک‌کروسکی، جیمزسی. (۱۳۸۸). رفتار غیرکلامی در روابط میان فردی؛ درسنامه ارتباطات غیرکلامی. (ترجمه فاطمه سادات موسوی و ژیلا عبدالله پور). تهران: انتشارات دانژه.
- زاهدبايلان، عادل. (۱۳۹۰/۱۳۹۱). میزان همخوانی روابط کلامی و غیرکلامی معلمان در جریان تدریس و ارتباط آن با پیشرفت تحصیلی دانش آموزان. روان‌شناسی مدرسه، ۱۱(۱)، ۴۶-۶۱.
- سلیمی، اسماعیل علی. (۱۳۹۳). نگرش زبان‌آموزان به واژگان انگلیسی و درک آن‌ها با بهره‌گیری از ارتباط غیرکلامی. فصلنامه فناوری آموزش، ۸(۴)، ۲۲۱-۲۲۹.
- قبادی، علیرضا و زارع‌مهرجودی، مسعود. (۱۳۹۴). ارتباطات غیرکلامی در شعر حافظ (نقش ارتباطات غیرکلامی در تفسیر و پذیرش حافظ از سوی مخاطبان). فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی، ۱۱(۱)، ۱۱۹-۱۵۴.
- محمدی، مرتضی. (۱۳۹۹). تبیین رابطه مهارت‌های ارتباطی اساتید مرکز علمی کاربردی فاتب با کیفیت تدریس آنان از دیدگاه دانشجویان. مطالعات مدیریت بر آموزش انتظامی، ۱۳(۴۹)، ۲۰۶-۲۲۰.
- نیک‌داراصل، محمدحسین و احمدیانی، محمدهادی. (۱۳۹۵). تحلیل و رمزگشایی ارتباطات غیرکلامی در بوستان سعدی. شعرپژوهی، ۱۱(۱)، ۱۸۱-۲۱۰.
- Andersen, P. A. (2007). *Nonverbal communication: Forms and functions* (2nd ed.). Waveland Press.
- Atkinson, A. P., Heberlein, A. S., & Adolphs, R. (2007). Spared ability to recognise fear from static and moving whole-body cues following bilateral amygdala damage. *Neuropsychologia*, 45(12), 2772-2782.
- Bağcı, M. (2008). *Öğretmenin Beden Dilinin Öğrenciler Tarafından Algılanması* (Esenler İlçesi Örneği) (Lisans Tezi). Beykent Üniversitesi, İstanbul.

- Başaran, M., Erdem, İ. (2009). Öğretmen Adaylarının Güzel Konuşma Becerisi İle İlgili Görüşleri Üzerine Bir Araştırma. *Kastamonu Eğitim Dergisi*, 17(3), 743-754.
- Baylor, A. L., & Kim, S. (2009). Designing nonverbal communication for pedagogical agents: When less is more. *Computers in Human Behavior*, 25(2), 450-457.
- Çalışkan, N. (2003). *Sınıf Öğretmenlerinin Sözel Olmayan İletişim Davranışlarının Değerlendirilmesi* (Doktora Tezi). Atatürk Üniversitesi, Erzurum
- Dobrescu, T., & Lupu, G. S. (2015). The Role of Nonverbal Communication in the Teacher-pupil relationship. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 180(5), 543-8.
- Ekman, P., & Oster, H. (1979). Facial expressions of emotion. *Annual review of psychology*, 30(1), 527-554.
- Emery, E. (1973). *Introduction to mass communications*.
- Emiroğlu, S. (2013). Türkçe Öğretmeni Adaylarının Dinleme Sorunlarına İlişkin Görüşleri. *Adıyaman Üniversitesi Sosyal Bilimler Enstitüsü Dergisi*, (11), 269-307.
- Freire, N. (2015). Body, Education and Children's Literature: An Experience with a Group of 6th Grade Students of English as a Foreign Language. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 174, 1146-1150.
- Gulec, S., & Temel, H. (2015). Body Language Using Skills of Teacher Candidates from Departments of Mathematics Education and Social Studies Education. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 186, 161 - 168.
- Hammersley, M. (2018). *The dilemma of qualitative method: Herbert Blumer and the Chicago tradition*. Routledge.
- Hao, J., & Hood, S. (2019). Valuing science: The role of language and body language in a health science lecture. *Journal of Pragmatics*, 139, 200-215.
- Köprülü, Ö. (2014). Using Body Language to Make and Maintain a Solid First Impression and to Decode Students' Behaviours. *Sakarya University Journal of Education*, 4(2), 6-18.
- Kusanagi, Y. (2003). How teacher gesture is accommodated in different level foreign language classes: A case study of teacher gesture. *Kotoba to Ningen: Journal of Yokohama Linguistics Circle*, 4, 81-95.
- Loi, F., Vaidya, J. G., & Paradiso, S. (2013). Recognition of emotion from body language among patients with unipolar depression. *Psychiatry research*, 209(1), 40-49.
- Metallinou, A., Yang, Z., Lee, C. C., Busso, C., Carnicke, S., & Narayanan, S. (2016). The USC CreativeIT database of multimodal dyadic interactions: from speech and full body motion capture to continuous emotional annotations. *Language resources and evaluation*, 50(3), 497-521.
- Milovanović, R. (2015). Effectiveness of prospective lower primary and kindergarten teachers in the interpretation of facial expressions. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 203, 42-49.
- Patterson, M. (2017). Nonverbal Communication. In J. Stein (Ed), *Reference Module in Neuroscience and Biobehavioral Psychology* (pp. 1-10). Elsevier
- Pease, A. (2003). *Body Language* (Bedenin Dili). (Çev. Özben Yeşim). Rota Yayınları.
- Pehlivan, K. (2005). Öğretmen Adaylarının GletiÇim Becerisi Algıları Üzerine Bir Çalışma. *İlköğretim Online*, 4(2), 17-23.
- Ritchhart, R., Palmer, P., Church, M., & Tishman, S. (2006). *Thinking routines: Establishing patterns of thinking in the classroom*. <https://aisa.or.ke/resources/thinking-routines-establishing-patterns-of-thinking-in-the-classroom/>
- Ryan, O. K., & Schrank, L. (2008). *Body Language: Beyond Words*. https://usbe.instructure.com/files/12730/download?download_frd=1

- Schindler, K., Van Gool, L., & De Gelder, B. (2008). Recognizing emotions expressed by body pose: A biologically inspired neural model. *Neural networks*, 21(9), 1238-1246.
- Tai, Y. (2014). The application of body language in English teaching. *Journal of Language Teaching and Research*, 5(5), 1205-1209.
- Tok, M., & Temel, H. (2014). Body Language Scale: Validity and Reliability Study. *Journal of Theory and Practice in Education*, 10(1), 103-122.
- Zekia, P. C. (2009). The importance of nonverbal communication in classroom management. *Procedia Social and Behavioral Sciences*, 1(2009), 1443-1449.



پی‌نوشت‌ها

- | | |
|---------------------------|----------------------------|
| 1. communication | 22. Pehlivan |
| 2. Edwin Emery | 23. Köprülü |
| 3. Body Language | 24. Patterson |
| 4. Kinesics | 25. Emiroğlu |
| 5. Ryan & Schrank | 26. Freire |
| 6. Darwin | 27. Baylor & Kim |
| 7. Shulman | 28. Bağcı |
| 8. Allan Pease | 29. Başaran & Erdem |
| 9. Schindler | 30. Zekia |
| 10. Atkinson | 31. Çalışkan |
| 11. Metallinou & et al. | 32. critical case sapeling |
| 12. Dobrescu & Lupu | 33. critical case |
| 13. Loi | 34. theoretical saturation |
| 14. Tai | 35. Hammersley |
| 15. Faust | 36. Maxqda |
| 16. Birdwhistell | 37. Ekman & Oster |
| 17. Hao & Hood | 38. Milovanović |
| 18. Argil | 39. Andersen |
| 19. Gulec & Temel | 40. Kusanagi |
| 20. Richmond & Mac Krvsky | 41. Ritchhart & et al. |
| 21. Tok & Temel | |